

ادامه از صفحه اول

البته در این میان نقش مجلس هفتم را نیز نباید نادیده گرفت چرا که تصویب مصوبه مانعاست از ادامه اجرای پروتکل الحاقی تا حدود زیادی جایگاه ایران در تقابل هسته‌های را قوت بخشد. در نتیجه همین شرایط رقابت نگرش انقلابی و نگاه مروجانه در نهایت منجر به اتخاذ رویه مقاومت فعالانه در موضوع هسته‌ای شد. دولت نهم در روز پنجم فعالیت خود، با آغاز غنی‌سازی در UCF اصفهان تثبیت این روند در دوره جدید را اعلام کرد. این اقدام ایران موجب ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت شد. در این مقطع حساس، تصمیم‌گیران در ایران به این نتیجه رسیدند که فواید پیشبرد فعالیت هسته‌ای ایران در قالب «تعهدات قانونی آژانس» بسیار بیشتر از تعلیق این فعالیت‌ها به دلیل هراس از واکنش شورای امنیت است. به عبارت دیگر، ایران راهبرد یک گفت‌وگو با مقاومت اسلامی، راهبرد همکاری قانونی با آژانس را پیگیری کند. این راهبرد هسته‌ای ایران از ۳ نظرگاه حائز اهمیت بوده و هست؛ نخست آنکه ایجاد تمایز میان وجوه فنی و سیاسی را به دنبال دارد و دیگری مشروعیت‌بخشی به پیشبرد برنامه هسته‌ای را موجب می‌شود. دستاورد سوم اما بسطیرال قلم تأثیر است و آن ایجاد یک ائتلاف فنی در آژانس در برابر مواضع سیاسی علیه کشورهای عضو بود؛ دستاورد مهمی که بعدها در قالب حمایت‌های جنبش عدم تعهد نمود بیشتری یافت. در راستای این راهبرد بود که روند دیپلماسی هسته‌ای جدید ایران شکل گرفت. تیم هسته‌ای جدید در ابتدای این راهبرد یک وظیفه بسیار مهم و تأثیرگذار برعهده داشت و آن تغییر تصور غرب در قبال نحوه مواجهه با ایران بود. تیم جدید هسته‌ای ایران باید در همان ابتدا ذهنیت طرف مقابل – اعمال فشار برای تحقق شرایط مطلوب– را که در مذاکرات با تیم قبل شکل گرفته بود، تغییر می‌داد. آیا این هدف مهم نیازمند پیشبرد سریع برنامه اتمی و عدم توجه به مذاکرات مناکرات و پایبندی به تعهدات بین‌المللی تعریف کرده و بلافاصله آن را به کار بستند. ایران برای پیشبرد اهداف خود در وهله اول نیازمند به بازگشت از موضع عقب‌نشینی و سپس تحجیل مهم در طرف مقابل بود. تیم جدید در همان ابتدا به این نتیجه رسید که برای تحمیل حقوق هسته‌ای خود به طرف مقابل، ایران نیازمند زمان است؛ زمانی که باید به «غنی‌سازی» مصروف می‌شد. در ادامه به نمودهای این تصمیم ایران می‌پردازیم.

■ **ایران و چماق و هویج**

ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت یک اهرم فشار برای مقابله با تداوم برنامه هسته‌ای ایران بود. البته طرف مقابل یک راهکار دیپلماتیک نیز برای اعتباربخشی به این اهرم فشار در نظر گرفت. اعضای دائم شورای امنیت همراه آلمان یک کارگروه مذاکره‌ هسته‌ای را در قالب ۵+۱ شکل دادند که بعدها این کارگروه در کنار مورد شورای امنیت به اعمال سیاست «چماق و هویج» شهره شد. ۵+۱ در مرحله نخست اقدام به ارائه یک هویج به نام «سته پیشنهادی» در ۶ ژوئن ۲۰۰۶ کرد. این هویج را خواهر سولانا، مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و نماینده ۵+۱ به علی لاریجانی داده هویجی که ایجاد راکتورهای آب سبک در ایران توسط کمپانی‌های بین‌المللی و تضمین فروش سوخت به ایران را ارائه می‌داد و در عوض خواستار تعلیق همه فعالیت‌های غنی‌سازی در ایران تا زمان حاصل شدن اطمینان می‌شد؛ ایران همزمان با افزایش سرعت غنی‌سازی و ساخت سانتریفیوژ، این بسته پیشنهادی را نیز مورد توجه قرار داد. تیم مذاکره‌کننده ایران به ریاست علی لاریجانی تیرماه۸۵ در بروکسل حضور یافت و درباره این بسته با نمایندگان روسیه، چین، فرانسه، آلمان و انگلیس دیدار کرد. دیدارها در بروکسل در نهایت به سرانجام نرسید. ۵+۱ خواستار پاسخ سریع ایران به بسته پیشنهادی بود اما هویجی در اسلامی ایران در راستای تحقق «خرید زمان» و تمرکز بر مسائل فنی و حقوقی با این موضوع مخالفت کرد. علی لاریجانی معتقد بود محل اختلاف بر سرر موضوع غنی‌سازی است، بنابراین اتخاذ شیوهایی برای بر طرف کردن این نگرانی را مفید می‌دانست. آثار نارضایتی در مسیر دیدار خود برروسکل در چهار مورد سولانا مشاهده شد. سولانا بار دیگر بر تعلیق غنی‌سازی در ایران تأکید کرد اما نماینده ایران بررسی نگرانی‌های غرب درباره غنی‌سازی اورانیوم را هنگام تعلیق، غیرقابل قبول دانست. تأکید ایران بر عدم تعلیق غنی‌سازی عملا چماق ۵+۱ یعنی شورای امنیت را به مسیر مذاکرات وارد کرد. ۵+۱ به‌محوریت فعال آمریکا چند روز پس از اعلام موضع ایران در رد تعلیق غنی‌سازی، ایران را تهدید به صدور قطعنامه شورای امنیت کرد. ایران در واکنش به این اقدام از رفتار آمریکا انتقاد و یکماه بعد یعنی ۳۱ مردادماه۸۵ از زمان پاسخگویی به بسته پیشنهادی ۵+۱ اعلام کرد.

■ **راه قطعنامه برای تحریم**

۱۱ روز پس از واکنش ایران، شورای امنیت قطعنامه ۱۶۶۹ را علیه ایران تصویب و از این طریق تعلیق همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم در ایران را الزامی کرد. اعضای دائم شورای امنیت ایران را تهدید کردند در صورت عدم تعهد به این قطعنامه، به ماده ۴۱ فصل ۷ منشور ملل متحد رجوع خواهند کرد. ماده ۴۱ می‌گوید: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف کردن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد». بر این اساس شورای امنیت ایران را تهدید کرد در صورت عدم تعلیق غنی‌سازی، می‌تواند هر اقدام غیرنظامی را در پیش گیرد. شورای امنیت همچنین یک ضرب‌الاجل یک ماهه را برای تعلیق غنی‌سازی تعیین کرد. پاسخ ایران به این قطعنامه چه بود؟ تیم مذاکره کننده دولت اصلاحات برای عدم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و اعمال اقدامات تحریمی علیه ایران اقدام به تعلیق داوطلبانه کرد؛ تیم جدید هسته‌ای که واکنش به این نشان می‌داد؛ ایران تا ۹ شهریور فرصت داشت فعالیت‌های غنی‌سازی خود را تعلیق کند با این

حال ۵ روز قبل از پایان ضرب‌الاجل شورای امنیت، ایران واکنش نشان داد. محمود احمدی‌نژاد ۴ شهریور ۸۵ به اراک رفت و در واکنش به قطعنامه ۱۶۶۹ مجتمع آب سنگین اراک را افتتاح کرد. همزمان با این اقدام، مسیر دیپلماتیک نیز در پیش گرفته شد اما ایالات متحده آمریکا فشار زیادی را وارد و بر بی‌نتیجه ماندن مذاکرات تأکید کرد. این اقدام آمریکا موجب شد تنها یک مورد گفت‌وگوی لاریجانی و سولانا در اتریش صورت بگیرد و ۵+۱ با اعلام پایان مذاکرات هسته‌ای با ایران، قطعنامه ۱۷۳۷ را دوم یدماه ۸۵ علیه ایران تصویب کرد. ایران این‌بار نیز در واکنش به قطعنامه شورای امنیت از فعالیت ۳ هزار سانتریفیوژ در نظز خبر داد. هدف ایران از پاسخگویی سریع به راهبرد فشار آمریکا برجسته‌سازی یک واقعیت بود. جمهوری اسلامی با این واکنش‌ها، بی‌نتیجه ماندن چماق را آن مقابل ایران اعلام کرد. به عبارت دیگر، واکنش‌های سریع ایران به قطعنامه‌های شورای امنیت این پیام مهم را مخابره کرد که قطعنامه‌ها مانع پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران نمی‌شود. ایران البته این‌بار یک هشار عملی نیز به آژانس داد و ورود ۲۸ نفر از بازرسان آژانس به خاک خود را ممنوع کرد. به تصمیم ایران البته پیام‌هایی را هم برای ایالات متحده دربر داشت. واکنش‌های قاطع اگرچه در راهبرد جدید هسته‌ای ایران قرار داشت اما تداوم مذاکره هیچگاه از محتوای این راهبرد حذف نشد. علی لاریجانی این‌بار در حاشیه اجلاس امنیتی مونیخ به دیدار سولانا رفت و پس از آن با رومانو پرودی در ایتالیا دیدار کرد. به‌رغم مذاکرات لاریجانی و همچنین اعلام آمادگی ایران برای پاسخگویی به همه شبهات آژانس اما ۵+۱ باز هم موضوع عدم تعلیق غنی‌سازی که محور همه قطعنامه‌ها علیه ایران بود را بهانه کرد و این‌بار ۴ روز پس از آغاز سال ۸۶ شمسی، قطعنامه ۱۷۴۷ در شورای امنیت به تصویب رسید. این سومین قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران بود. رویه ایران در پاسخگویی فنی به قطعنامه‌های آژانس این‌بار نیز تکرار شد. ۲۰ فروردین‌ماه سال ۸۶ مراسم جشنی در مجتمع نطنز برگزار شد و در حضور مقامات عالی‌رتبه و میهمانان خارجی، محمود احمدی‌نژاد از دستپایی ایران در محور صنعتی تولید سوخت هسته‌ای خبر داد. این اقدام ایران نشان داد روند مذاکرات جدید که بر مبنای «مقاومت فعالانه» بنا شده بود، با سرعت و جدیت دنبال می‌شود. البته در این میان بیان یک نکته اساسی بسیار ضروری است و آن اینکه جریان سیاسی همسو با تیم مذاکره‌کننده سابق، فشار روانی و رسانه‌ای بسیاری را علیه تیم مذاکره‌کننده دولت نهم به کار بست؛ موضوعی که البته پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ نمود بیشتری یافت. با این حال اقدامات پرشتاب ایران در پیشبرد برنامه هسته‌ای هرگز مانع تداوم مذاکرات هسته‌ای نشد.

■ **عقب‌نشینی آمریکا، نامه به رهبری**

جمهوری اسلامی ایران در راستای تقویت جنبه حقوقی موضوع هسته‌ای، مذاکرات فشرده‌ای را با محمد البرادعی آغاز کرد. در نهایت نتیجه مذاکرات البرادعی و لاریجانی منجر به ارائه نگرانی‌های فنی آژانس شد. دیدار جواد وعیدی، معاون لاریجانی و اولی هاینونز، معاون البرادعی در ۲۰ و ۲۱ تیرماه۸۵ در تهران به تئوین و امضای میلدیته منجر شد که در آن «پلتفرمیوم»، «سانتریفیوژهای P۱ و P۲»، «منشا آلودگی اورانیومی در دانشکده فنی دانشگاه تهران»، «پلونیوم ۲۱۰» و «معدن گچین» به عنوان نگرانی‌های آژانس مطرح شد و ایران اعلام کرد می‌تواند طی این مدالیتیه، این موضوعات را اولای دی‌ماه پاسخ دهد. با این حال جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتمادسازی مبتنی بر حفظ منافع ملی تنها در مدت ۴۰ روز همه اقدامات را برای بازرسی‌های آژانس فراهم کرد. همراهی ایران در بسترسازی حقوقی برای راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای ایران منجر به بازرسی‌های هماهنگ شده بازرسان آژانس از برنامه هسته‌ای ایران شد. در این فاصله بنا به دلایلی سعید جلیلی جایگزین علی لاریجانی شد و او رسماً مسؤولیت پرونده هسته‌ای ایران را برعهده گرفت. اوایل آذرماه سعید جلیلی و خواهر سولانا مذاکراتی را در لندن پیرامون بسته پیشنهادی ۶ ژوئن برگزار کردند که به نتیجه نرسید. در این بسته پیشنهادی باز هم تعلیق غنی‌سازی به عنوان خواسته لاتینفر ۵+۱ اعلام شده بود. در این فاصله، در آذرماه ۸۶ شورای اطلاعات ملی آمریکا در گزارش سالانه خود صراحتاً از عدم گرایش ایران به فعالیت‌های نظامی هسته‌ای طی ۴ سال گذشته خبر داد. پس از انتشار این گزارش اطلاعاتی – امنیتی از سوی شورای اطلاعات ملی آمریکا، سرتاجام محمد البرادعی در اسفندماه ۸۶ رسماً اعلام کرد همه نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران بررسی، بازرسی و مورد راستی‌آزمایی قرار گرفت و آژانس دیگر نگرانی‌ای از بابت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ندارد. ایران پس از انتشار گزارش‌ش البرادعی اعلام کرد با رفع همه نگرانی‌های آژانس، حضور پرونده ایران در شورای امنیت کاملاً غیرقانونی است. ایران پس از پیروزی در پیشبرد و توسعه برنامه هسته‌ای خود، یک پیروزی بسیار بزرگ در وجه حقوقی و فنی نیز به‌دست آورد و آن تأیید سلامت برنامه هسته‌ای ایران از سوی مرجع رسمی فعالیت‌های هسته‌ای در جهان بود. این ۲ موضوع موجب شد جمهوری اسلامی ایران عملاً نماینده و ترویجکای اروپایی را در شرایطی قرار دهد که همگان از رفتار سیاسی و غیرحقوقی آنان مطلع شوند. ایالات متحده عملاً در موضع انفعال قرار گرفت و بر اساس گزارش البرادعی دیگر هیچگونه توجیحی برای حضور پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت وجود نداشت. با این وجود ایالات متحده چند روز پس از ادعای البرادعی به سلامت برنامه هسته‌ای ایران، تنها با استناد به «مطالعات ادعایی» که ادعا می‌شد برگرفته از یک لپ‌تاپ است، قطعنامه ۱۸۰۳ را علیه ایران به تصویب رساند تا سیاسی بودن اقدامات آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران بیش از پیش آشکار شود. قطعنامه ۱۸۰۳ نیز پس‌پاسخ نماند و ایران ۹۰ مردادین‌ماه ۸۷ از نصب و راهاندازی ۶ هزار سانتریفیوژ در تاسیسات نطنز

خبر داد. همزمان ایران ابتکار عمل را در مذاکرات نیز در دست گرفت و ۲۴ اردیبهشت یک بسته پیشنهادی مذاکراتی در ۳ حوزه سیاسی، امنیتی و اقتصادی به دبیرکل سازمان ملل، رئیس شورای امنیت، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خواهر سولانا، چین، روسیه و سفیر سوسیوس در تهران تحویل داد. ۵+۱ نیز یک ماه پس از این اقدام ایران، اقدام به تقویت بسته ۶ ژوئن و ارائه آن به مقامات کشورمان کرد. نکته جالب در این بسته پیشنهادی، یک عقب‌نشینی ضمنی بود. طرح «فریز در مقابل فریز» در بسته جدید لحاظ شده بود و ۵+۱ اعلام کرد در صورت تعلیق غنی‌سازی آنان نیز تحریم‌ها را در حالت تعلیق درمی‌آورند. در کنارش دیپلماسی مسته‌ها ایران اعلام کرد هر دو بسته دارای مشترکاتی است که طرفین می‌توانند درباره آن به گفت‌وگو بنشینند. ایران این موضع را طی نامه‌ای به وزرای خارجه ۶ کشور از جمله کاندولیزا رایس اعلام کرد. ایالات متحده پیش از این همواره به نشانه اعتراض به عدم تعلیق فعالیت‌های ایران اعلام کرد، نماینده ایران در نشست‌های ۵+۱ با ایران مشارکت نمی‌داد و برای حضور نماینده خود در مذاکرات، تعلیق غنی‌سازی را به عنوان پیش‌شرط اعلام می‌کرد. با این حال آمریکا سرانجام در دورانی که ریاست‌جمهوری جورج بوش در این کشور رو به پایان بود و در ایران اصولگرایان طرفدار مقاومت دولت بوش به قدرت رسیده بودند از پیش‌شرط خود عقب نشست و در مذاکرات ژنو ۱، ویلیام برنز، معاون کاندولیزا رایس را در وی سعید جلیلی نشانند. تصاویر مذاکرات ژنو ۱ ماندگار خواهد ماند چرا که حضور ویلیام برنز در مقابل جلیلی تا مدت‌ها محل توجه رسانه‌ها بود. حضور برنز در مذاکرات هسته‌ای نشانه بارزی از عقب‌نشینی آمریکا بود. کاندولیزا رایس نیز همان زمان اعلام کرد: «ایالات متحده آمریکا دشمن ابدی ندارد. اگر ایران تصمیم بگیرد به جامعه جهانی نزدیک شود، از حمایت ایالات متحده آمریکا برخوردار است». خبرگزاری آلمانی دویچه‌وله پس از حضور برنز در مذاکرات نوشت: «سیاست دولت بوش به قبال ایران با یک چرخش حیرت‌آور مواجه شده است. دویچه‌وله در ادامه تحلیل قابل تاملی از این ماجرا ارائه می‌دهد: «آگاهان می‌گویند شرکت ویلیام برنز در نشست ژنو به مفهوم «چرخشی حیرت‌آور در سیاست تاکنون دولت بوش در برابر ایران» است؛ سیاسی که در انتانت از اهدافی مالیته منجر شد که در آن «پلتفرمیوم»، «سانتریفیوژهای P۱ و P۲»، «منشا آلودگی اورانیومی در دانشکده فنی دانشگاه تهران»، «پلونیوم ۲۱۰» و «معدن گچین» به عنوان نگرانی‌های آژانس مطرح شد و ایران اعلام کرد می‌تواند طی این مدالیتیه، این موضوعات را اولای دی‌ماه پاسخ دهد. با این حال جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتمادسازی مبتنی بر حفظ منافع ملی تنها در مدت ۴۰ روز همه اقدامات را برای بازرسی‌های آژانس فراهم کرد. همراهی ایران در بسترسازی حقوقی برای راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای ایران منجر به بازرسی‌های هماهنگ شده بازرسان آژانس از برنامه هسته‌ای ایران شد. در این فاصله بنا به دلایلی سعید جلیلی جایگزین علی لاریجانی شد و او رسماً مسؤولیت پرونده هسته‌ای ایران را برعهده گرفت. اوایل آذرماه سعید جلیلی و خواهر سولانا مذاکراتی را در لندن پیرامون بسته پیشنهادی ۶ ژوئن برگزار کردند که به نتیجه نرسید. در این بسته پیشنهادی باز هم تعلیق غنی‌سازی به عنوان خواسته لاتینفر ۵+۱ اعلام شده بود. در این فاصله، در آذرماه ۸۶ شورای اطلاعات ملی آمریکا در گزارش سالانه خود صراحتاً از عدم گرایش ایران به فعالیت‌های نظامی هسته‌ای طی ۴ سال گذشته خبر داد. پس از انتشار این گزارش اطلاعاتی – امنیتی از سوی شورای اطلاعات ملی آمریکا، سرتاجام محمد البرادعی در اسفندماه ۸۶ رسماً اعلام کرد همه نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران بررسی، بازرسی و مورد راستی‌آزمایی قرار گرفت و آژانس دیگر نگرانی‌ای از بابت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ندارد. ایران پس از انتشار گزارش‌ش البرادعی اعلام کرد با رفع همه نگرانی‌های آژانس، حضور پرونده ایران در شورای امنیت کاملاً غیرقانونی است. ایران پس از پیروزی در پیشبرد و توسعه برنامه هسته‌ای خود، یک پیروزی بسیار بزرگ در وجه حقوقی و فنی نیز به‌دست آورد و آن تأیید سلامت برنامه هسته‌ای ایران از سوی مرجع رسمی فعالیت‌های هسته‌ای در جهان بود. این ۲ موضوع موجب شد جمهوری اسلامی ایران عملاً نماینده و ترویجکای اروپایی را در شرایطی قرار دهد که همگان از رفتار سیاسی و غیرحقوقی آنان مطلع شوند. ایالات متحده عملاً در موضع انفعال قرار گرفت و بر اساس گزارش البرادعی دیگر هیچگونه توجیحی برای حضور پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت وجود نداشت. با این وجود ایالات متحده چند روز پس از ادعای البرادعی به سلامت برنامه هسته‌ای ایران، تنها با استناد به «مطالعات ادعایی» که ادعا می‌شد برگرفته از یک لپ‌تاپ است، قطعنامه ۱۸۰۳ را علیه ایران به تصویب رساند تا سیاسی بودن اقدامات آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران بیش از پیش آشکار شود. قطعنامه ۱۸۰۳ نیز پس‌پاسخ نماند و ایران ۹۰ مردادین‌ماه ۸۷ از نصب و راهاندازی ۶ هزار سانتریفیوژ در تاسیسات نطنز

■ **هسته‌ای پس از فتنه**

۲۲ خرداد ۸۸ در حالی فرارسید که ایران

غائله ۸۸ چگونه منجر به تشدید تحریم‌ها شد؟

فتنه علیه هسته‌ای



یک زن در حین تظاهرات علیه برنامه هسته‌ای ایران

دستاوردهای هسته‌ای خود را در چند حوزه تقویت کرده بود. تعداد سانتریفیوژهای فعال ایران به رقم ۷ هزار عدد رسید. افزایش تعداد سانتریفیوژ از دیگر سو با تولید ۲ نوع پیشرفته سانتریفیوژ همراه شد. این سانتریفیوژها نسبت به ماشین‌های قبل سرعت غنی‌سازی بالاتری– تا ۴ برابر– داشتند. از آن سو، ایالات متحده مذاکرات هسته‌ای را از ژوئن ۲۰۰۸ تعلیق کرد تا در انتظار نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ایران باشد. بنابراین ساسیتی ۲ وجهی در افزایش غلظت لیهام اتخاذ کرد. از نظرگاه دیپلماتیک نیز بنیان نگرش تهدید محور علیه ایران دچار خدشه شد. ایالات متحده آمریکا که الگوی فشار را بستر رفتار با ایران هسته‌ای قرار داده می‌شود، سرانجام چرخش نشان داد و در نهایت اوپاما رسماً اعلام کرد خواستار گفت‌وگوی مستقیم با ایران است. این رویه عقب‌نشینی و تغییر الگوی رفتار تا روز انتخابات دنبال شد. پس از شمارش آرا و آشکار شدن مشارکت ۸۵ درصدی و نیز میزان آرای فرد منتخب، قاعده‌تأ همه چیز باید به سمت تغییر الگوی غرب پیش می‌رفت. به عبارت روان تر، ارتقای جایگاه فنی ایران در تاسیسات هسته‌ای، در کنار دستاوردهای حقوقی ایران در آژانس که موجب تقویت جنبش عدم تعهد شد، وقتی کنار یک انتخابات کم‌ظنیر در دنیا و اعتماد ۶۳ درصدی به فرد پیروز قرار گیرد، بدیهی است تثبیت تیرا هسته‌ای از نتیجه انتخابات اعلام شد اما چند دسته از «وِرد پالیلیک آپینین» آمریکا نتایج یک نظرسنجی خود در ایران را منتشر کرد. نتایج این نظرسنجی از آمادگی ۸۷ درصدی مردم برای شرکت در انتخابات حمایت می‌کرد. این نظرسنجی همچنین نشان داد ۳۴ درصد از سوال‌شوندگان احمدی‌نژاد و ۱۴ درصد موسوی را به عنوان کاندیدای خود معرفی کردند. این نتایج برای آمریکا از نظرسنجی‌های سفارش شده توسط آمریکایی‌ها بود. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد ایالات متحده از وقوع مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ۸۸ رای بالای احمدی‌نژاد در این انتخابات آگاه بود. صبح روز ۲۳ خرداد نتیجه انتخابات اعلام شد اما چند دسته از اعلام نتایج انتخابات، از چند خیابان پایتخت دود بلند شد. فتنه ۸۸ آغاز شد.

■ **تبادل سوخت با باج محترمانه؟**

در تحلیل اثرگذاری فتنه ۸۸ بر روند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران یک نکته بسیار کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد و آن این است که اصولاً رفتارها بر مبنای یک فهم کلی از مناسبات طراحی و اجرا می‌شود. در موضوع هسته‌ای غرب سیاست خود را بر مبنای الگوی فشار تنوریزه کرد. بر اساس این الگو مانع‌از پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران تنها با اعمال فشار و تهدید ایران امکانپذیر است. این الگو در طول دوره اول مذاکرات هسته‌ای دولت خاتمی و پس از آن تا میانه دوران دولت اول احمدی‌نژاد به‌عنوان نقشه راه طرف غربی قرار داشت. این الگو البته در سال پایانی دولت نهم تا حدودی تغییر کرد که دلایل آن پیش‌تر بیان شد. اینکه ایالات متحده آمریکا ناچار به تغییر الگوی رفتاری در قبال ایران شد، به سادگی حاصل نشد اما مشاهده نشانه‌هایی این تغییر یک پیروزی بسیار مهم برای ایران بود. نشانه مهم این پیروزی در نامه اوپاما به رهبر انقلاب در ۲۰ خرداد ۸۸ مشاهده شد. اوپاما در آن نامه اذعان کرد بدون ایران هیچ موضوعی در خاورمیانه فیصله نمی‌یابد و خواستار گفت‌وگوی همه‌جانبه با ایران شد. عقب‌نشینی ابتدایی در موضوع هسته‌ای و میل به توافق با ایران در موضوعات منطقه‌ای حاوی دستاوردهای بسیار مهمی برای ایران است. این تغییر الگو که بخش مهمی از آن حاصل میزان مشارکت مردم در انتخابات و میزان مقبولیت مسؤول پرونده هسته‌ای بود، اما پس از وقوع فتنه مخوش شد. حمایت ایالات متحده و ترویجکای اروپایی از عوامل فتنه که برای ایران به انتخاب، اوپاما نماینده «سیاست آمریکا» توسط اوپاما علنی شد، نشان داد آمریکا و متحدانش در ۵+۱ فتنه را رهیافتی برای بازگشت به شرایط گذشته یافته‌اند. رهیگری تأثیر فتنه بر تغییر الگوی رفتاری غرب در قبال ایران را در نخستین گام، می‌توان در مذاکرات اکتبر ۲۰۰۹ یافت.

سعید جلیلی، دبیر شوراییعالی امنیت ملی ایران ۳ ماه پس از وقوع فتنه یعنی در ۱۸ شهریور ۸۸ بسته پیشنهادی دوم ایران را باز هم به همان رویکردهای سیاسی و امنیتی، بین‌المللی و اقتصادی به نمایندگان ۵+۱ در تهران تحویل داد. این بسته پیشنهادی اینبار دامنه وسیعی از موضوعات مهم منطقه‌ای و جهانی را در خود داشت به گونه‌ای که حتی ایران خواستار گفت‌وگو درباره مسائل مربوط به محیط زیست در قالب مذاکره با ۵+۱ شد. این بسته پیشنهادی با موافقت نمایندگان ۵+۱ مواجه شد و سرانجام پس از ۱۷ ماه تعلیق مذاکرات، اول اکتبر سعید جلیلی در مقابل خواهر سولانا و نمایندگان ۵+۱ کشور نشست و ویلیام برنز، نماینده آمریکا نیز در این مذاکرات حضور داشت. این مذاکرات باز هم در ژنو برگزار شد. در این نشست قرار بر مذاکره پیرامون بسته پیشنهادی بود اما در ادامه طرف غربی موضوعی را مطرح کرد که تحلیلگران آن را نشانه تغییر مجدد الگوی رفتار ایران در مقابل ایران دانستند. ۵+۱ از ایران خواست موضوع مبادله سوخت ۲۲۵ درصد را مورد بررسی قرار

دهد. ایالات متحده دچار یک اشتباه محاسباتی شده بود و ناآرامی‌ها در تهران را زمینه‌ای برای کاهش قدرت ایران در مذاکرات هسته‌ای پنداشت. تلاش گسترده‌ای برای طرح بحث مبادله، انگاره ضعف ایران و در نتیجه تلاش برای خروج ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۳/۵ درصد– تقریباً بیشتر سرمایه غنی‌سازی ایران– وجود داشت. طرف مقابل در قبال خروج ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم کمتر غنی شده، معتمد به ارائه ۱۲۰ کیلوگرم سفحات سوخت ۲۰ درصد برای مصارف را اکتور تهران شد. بلافاصله پس از این پیشنهاد، ایالات متحده آمریکا، روسیه و فرانسه برای ارائه سوخت ۲۰ درصد به ایران اعلام آمادگی کردند. ۱۸ روز بعدوین میزبان تیم مذاکره‌کننده ایران با مذاکره‌کنندگان ۵+۱ آمریکا، روسیه و فرانسه بود. خروجی این مذاکرات تهیه یک پیش‌نویس بود. ایران هیچگونه تعهدی در قبال این پیش‌نویس نداشت. بنابراین همگان منتظر پاسخ ایران به این پیش‌نویس بودند. ایران به فاصله چند روز برای پذیرش این پیش‌نویس یک «مدالیتنه تبادل» را طراحی کرد. دلیل این اقدام ایران وجود الزامی بود که خروج ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم ایران را به صورت «یکجانه تعیین می‌کشد. ایران طی نامه‌ای اعلام کرد درباره مبادله ۲ شریای باید لحاظ شود: «اولاً هرگونه مبادله باید همزمان انجام شود، ثانیاً باید این مبادلات در خاک ایران انجام شده و ثالثاً هرگونه مبادله باید تدریجی انجام شود. یعنی مبادلات در طول یک محدوده زمانی ۱۵ ماهه انجام پذیرد». پس از این نامه ناگهان موضع طرف مقابل تغییر کرد و آنان با هرگونه تبادل همزمان مخالفت کردند. این رفتار طرف مقابل با محوریت آمریکا «فریب» طرف مقابل در میز مذاکرات را علنی کرد. همان زمان تحلیلگران ارشد کشورمان دلیل این رفتار را اینگونه دانستند که آمریکا با سوءاستفاده از فتنه داخلی، ایران را یک کشور ضعیف می‌پندارد و به دنبال ایجاد فضاهایی است که ایران را محترمانه مجبور به «باج‌دهی» کند. به عبارتی ایالات متحده دچار این محاسبه اشتباه شد که ایران به دلیل ضعف ناشی از فتنه داخلی، اولویت قطع حمایت آمریکا از فتنه‌گران داخلی را در صدر اهداف خود دارد و آمریکا با درک این شرایط به دنبال اخذ سرمایه اورانیوم ایران است. این اشتباه محاسباتی در کاخسفید نخستین اقدام مهم و برجسته هسته‌ای آمریکا پس از فتنه ۸۸ بود. اوپاما که ۲ روز قبل از انتخابات رسماً تقاضای تشریک منافع ایران و آمریکا در منطقه را مطرح کرد، ۳ ماه بعد خواستار دریافت همه اورانیوم ۲/۵ درصد ایران بدون ارائه تضمین برای پرداخت اورانیوم ۲۰ درصد شد. البته در فاصله زمانی این ۳ ماه خود و دولتی خود معرفی کرد می‌توانستند را در حمایت از سران آشوب هم نشان دادند و هم اعمال کردند. اوپاما تنها چند روز پس از آغاز آشوب، موسوی را «منبع الهام‌بخش تمایل به غرب» عنوان کرد. بعدها شخص شد کنت تیمرن، رئیس بنیاد موراکی آمریکا ۱۰ روز قبل از انتخابات از عبارت «فلاپ سبز» در ایران استفاده کرده و پس از آن اعلام کرد بنیاد موراکی در طول دهه گذشته میلیون‌ها دلار را صرف گسترش انقلاب رنگی در کشورهای همچون اوکراین و صربستان کرده و تکنیک‌های ارتباطی و سازمانی مدرن را به کارگران آموزش داده که به گفته وی، بخشی از این پول به دست حاکمان روسیه رسیده است چرا که آنها با سازمان‌های غیردولتی ارتباط دارند که تأمین بودجه آنها برعهده «بنیاد نشنال اندومنشنفور دموکراسی» است. پس از اوپاما نوبت به هیلاری کلینتون رسید تا از آشوب‌ها حمایت کند. کلینتون چندید بعد در گفت‌وگویی با صراحت گفت: «ما نمی‌توانیم بین اعتراض‌های قانونی و تظاهرات مردم ایران و رهبری قیران گریمر چراکه می‌دانستیم اگر خیلی زود و شدید وارد کنیم، حکومت ایران سعی می‌کند از ما برای متحد کردن کشور علیه معترضان استفاده کند. بدین ترتیب ما پشت‌پرده کار می‌کردیم». کلینتون این را هم گفت: «ایران‌که حمایت لفظی و پشتیبانی با مخالفان ادامه می‌دهد». این حمایت‌ها البته در ادامه به صورت وسیع دنبال شد و پس از مدتی آمریکا علناً حمایت از جریان فتنه را در بودجه سالانه خود لحاظ کرد. چند روز پس از بیانیه ۱۴ موسوی، اوپاما بودجه ۵۵ میلیون دلاری کمیته دفاعی و نظامی کنگره آمریکا را که برای تقویت بنیه فتنه‌گران در فضای مجازی در نظر گرفته شده بود، امضا کرد.

■ **تحریم برای آشوب**

این اقدامات ایالات متحده آمریکا با چه نیتی دنبال شد؟ پاسخ این سوال را می‌توان در ادامه جست‌وجو کرد. چند روز قبل از تصویب بودجه جنگ نرم آمریکا بود ایران، هم‌رحسین موسوی بی‌بیانه‌ای حاضر کرد و مقاومت تیم هسته‌ای در مقابل ایالات متحده را «عقب‌نشینی از حقوق ملت عنوان کرد»[۳] این بیانیه را باراک اوپاما چندید بعد تکمیل کرد. اوپاما تصریح کرد: «به نظر نمی‌رسد ایران از نظر سیاسی آنقدر وضع ثابتی داشته باشد که بتوانند درباره مساله هسته‌ای تصمیم‌های سریع اتخاذ کنند. از سوی دیگر، اوضاع داخلی ایران موجب پیچیده‌تر شدن تلاش‌ها برای رسیدن به توافق میان ایران و قدرت‌های جهان سر مساله سوخت اتمی شده است»[۴] این تقسیم کار برای تضعیف مواضع ایران بویژه در مذاکرات هسته‌ای در تمام مدت فتنه وجود داشت. ۱۶ روز پس از آشوب بی‌سابقه فتنه‌گران به عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، ژنرال دیوید پترانسون، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در منطقه از احتمال حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران خبر داد. وی به CNN گفت: «حتماً می‌توان تاسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار داد. تاسیسات ایران در مقابل حملات موشکی آسیب‌پذیر هستند». تاسیسات ایران نیز رسماً از «بمباران تحریم‌های جدید» برای حمایت از «آزادی شهروندان ایرانی» سخن گفت. موارد متعدد دیگری نیز از هماهنگی عوامل فتنه با دستگاه تصمیم‌گیر ایالات متحده آمریکا در تأثیرگذاری بر موضوع هسته‌ای کشورمان وجود دارد. تلاش آمریکا برای تقویت فتنه ۸۸ در واقع یک پیام راهبردی داشت و در آن بازگشت کامل اوپاما به الگوی فشار بود در مناسبات

با ایران بود. پاسکری فتنه با ایالات متحده آمریکا در نهایت منجر به تصویب تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا و افزایش فشارها به ایران شد. ورود ایالات متحده به موضوع تحریم بنزین ایران نیز در همین راستا صورت گرفت. در حوزه مذاکرات نیز اراده حاکمیت آمریکا در بی‌اعتنایی به مذاکرات هسته‌ای در ماجرای بیانیه تهران و دهن کجی آشکار آمریکا به بیانیه تهران و اعتبار ترکیه نشست وین توافق شد و ایران بر اساس پیشنهادات اوپاما به سسران ترکیه و برزیل اقدام به طراحی یک مدل مشخص و مشروح برای مبادله کرد. ایالات متحده آمریکا و در راس آن اوپاما بدون اعتنا به قول‌هایی که به سسران برزیل و ترکیه داده بود، مقدمات قطعنامه ۱۹۲۹ را فراهم کرد تا پروژه تحریم برای آشوب در ایران را دنبال کند چرا که آمریکا اینک ظرفیت موضوع هسته‌ای بلکه «تغییر» حکومت در ایران را دنبال می‌کرد. اوپاما همان فردی که ۲ روز قبل از انتخابات ۸۸ ایران به رهبر انقلاب نامه نوشته و خواستار گفت‌وگوی مستقیم همه‌جانبه شده بود، اینک با حربه تحریم، تقویت آشوب داخلی در ایران و بی‌ثباتی حاکمیت را دنبال می‌کرد به مرور مشخص شد موضوع هسته‌ای تنها بهانه‌ای برای فشار ایران در جهت تغییر حاکمیت ایران است. ایالات متحده یک راهبرد اساسی را در راس تصمیمات خود در قبال ایران دنبال کرد و آن اینکه ظرفیت ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی نظام جمهوری اسلامی در ایران فراهم شده و موضوع هسته‌ای بهانه‌ای برای تقویت این ظرفیت‌ها شد. قطعنامه ۱۹۲۹ سرانجام با فشارهای فراوان آمریکا و اعطای امتیازهای فراوان به چین و روسیه در سالگرد فتنه ۸۸ به تصویب رسید تا پیامی آشکار برای عوامل آشوب داخلی ایران داشته باشد. همراه این تحریم، مقامات و تحلیلگران غربی اظهار نظرهای فراوانی درباره ارتباط فتنه و فشار آمریکا بر زنان جاری کردند. کیمیا آرمی، تحلیلگر ارشد نشریه واشنگتن تايمز حدود ۲ ماه پیش از قطعنامه ۱۹۲۹ در سرمقاله این نشریه نوشت: «تحریم به تنهایی کافی نیست ما باید چهار نقطه ضعف خود را باید بر این نقطه ضعف وارد کرد»[۵] قطعنامه ۱۹۲۹ «ولت» نیز چند هفته قبل از انتخابات نوشت: «توان گروه‌های اپوزیسیون ایران برای تغییر رفتار مقامات این کشور کافی نیست. به همین علت است که غرب باید همزمان تهدیدهای چندباره خود در اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران را در پیش بگیرد». مایکل اورن، سفیر رژیم صهیونیستی در ایران چند روز قبل از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ گفت: «ملت ایران در بی‌انتخابات ریاست‌جمهوری با برقرار شدن تحریم‌های جدی نیز، رهبران رژیم را مسؤول وضعیت تلقی خواهد کرد»[۶] نه آمریکا را اسرائیل را و تحریم‌ها شکاف میان حکومت با ملت ایران را بیشتر می‌کند و رژیم را معترف‌تر وارد کرد». آدم ارلی، سفیر آمریکا در تهران نیز در گفت‌وگو با برخی مقامات عربی گفت: «کاخ سفید همزمان با انجام مذاکرات ایران و ۵+۱ نحوه حمایت از رهبران معارض جدید» در ایران را پیگیری می‌کند». ارلی که قبل از مذاکرات اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو سخن می‌گفت، افزود: «اگر مذاکرات ژنو موفقیت‌آمیز نباشد و در آن پیشرفت حاصل نشود، آمریکا قصد دارد همزمان با تشدید تحریم‌ها، اعمال فشار سیاسی علیه تهران را با حمایت «رسمی»، «علنی» و «گسترده» از موسوی و خاتمی وسعت بخشد چرا که هیچ فشاری به دولت ایران نیست و تقویت جریان‌های طرفدار غرب در ایران کاراز بدست»[۷] وی در بخش پایانی سخنانش می‌گوید: «همین حال تمام این موضوع پنهان نیست که ما موسوی را خاتمی حمایت می‌کنیم اما علنی شدن این حمایت همزمان با اعمال تحریم‌ها می‌تواند این فایده را داشته باشد که مردم ایران به این نتیجه برسند که تنها راه رهایی از تحریم‌ها گرایش به ارتقا است». به موسوی با ورود خود از قطعنامه را ترجیح آمد و در بی‌بیانه‌های هزینه تحریم‌ها را که موجب فشار به مردم می‌شود به گردن حکومت انداخت، یعنی درست آن چیزی که هدف آمریکا بود در کلام موسوی تبلور یافت و به نوعی موسوی زبانه‌ها پیام آمریکا را قرائت کرد!

قطعنامه ۱۹۲۹ در واقع اقدام علنی آمریکا در حمایت از فتنه ۸۸. آمریکا درحالی‌که قبل از انتخابات به تغییر الگوی مذاکره با ایران رسید و در مرحله نهایی پذیرش تحریم‌های بود اما با وقوع فتنه ۸۸ موضوع تغییر حاکمیت در ایران را در راس اهداف خود قرار داد و موضوع هسته‌ای تنها بهانه‌ای برای اعمال تحریم در جهت تقویت فتنه‌گران داخلی برای محقق ساختن تغییر حاکمیت بود. ■ **ورق برگشت!**

الگوی محاسبه آمریکایی‌ها نسبت به ایران پس از فتنه ۸۸ کاملاً تغییر کرد. آنها به تجمع فشار علیه ایران ادامه دادند. تحریم‌های نفتی و بانکی موجب خسارت‌هایی در معیشت مردم شد. نوسانات دلار بیشترین آسیب را به بخش تولید وارد کرد. و همزمان و در راس اهداف مذاکرات هسته‌ای، رسانه‌های حامی فتنه التهاب بازار را برجسته و در اذهان عمومی، دوگانه هسته‌استای – معیشت را مطرح می‌کردند. این روند تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ ادامه یافت. حسن روحانی، همو که پس از شکست مذاکرات با ترویتکای اروپایی، به انزوای سیاسی رفته بود، با طرح همین دوگانه به میدان آمد و پیروزی انتخابات بودا وعده روحانی بهبود معیشت در کنار حفظ دستاوردهای هسته‌ای بود. جواد ظریف، همو که محمدالبرادعی سفارش انتخاباتی او را در حاشیه سعادآباد کرده بود، وزیر خارجه و مذاکرات هسته‌ای با اجرای او آغاز شد. حالا بیش از یک سال از مذاکرات هسته‌ای در دولت روحانی می‌گذشت. باراک اوپاما در ادعایی گراف مدعی است تحریم‌های او علیه ایران در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ اثرگذار بوده است؛ا جواد ظریف نیز سفارشات انتخاباتی خود را این‌بار علنی مطرح می‌کند و ی در شورای روابط خارجی اعلام صراحت‌هایی کرد. در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، دوستان او انتخابات آتی ایران را به غرب ستیزان می‌بازند!اصلاح‌طلبان نیز تغییر موضع داده‌اند. دیگر از آن بی‌بیانه‌های آتشین و مهتم کردن مذاکره‌کنندگان به خیانت خبری نیست! آنها اکنون طرفدار مذاکرات ظریف هستند. آنها از ضرورت تعطیلی تاسیسات هسته‌ای می‌گویند؛ تاسیساتی که البته توافق ژنو بخش مهمی از آن را تعطیل و یا نیمه فعال کرده است!